Theories and criticism in Arabic literature
The Second Year, Number ٨, Winter١٤٠١
Pp:٨٧- ١٠٤

Research Paper

DOI: ١٠,٢٢٠٣٤/JRAL.٢٠٢٥,٥٥٨٤٨٣,١٠٧٠

A Comparative Study of Qur'anic Themes of Resistance Literature in Hossein Esrafili's "The Rock and the Leopard"* and Qeysar Aminpour's *"The Sudden Mirrors"

Mehdi Arianfar [١]

Farnaz Ittehad [٢]

(Received: ٢٠٢٥,١١,٠٨ ,Accepted: ٢٠٢٥,١١,١٢)

Abstract

The Qur'anic principle of resistance and steadfastness is among the topics that, after the Islamic Revolution and the events of the Sacred Defense, gained remarkable prominence in Iranian literature and secured a special place in post-revolution poetry. Resistance literature functions as a powerful and formidable weapon that ensures the survival and cultural enrichment of oppressed societies, bringing about significant transformations among the masses.The themes of steadfastness in literature are largely derived from the concepts of the Holy Qur'an and include elements such as the call to struggle and perseverance, the praise of endurance and resistance, the celebration of freedom and liberty, as well as the depiction of national myths and ideals. Analyzing these themes of resistance in the works of poets helps us better understand the functions of resistance literature .Among such works, the writings of two prominent Iranian poets—Qeysar Aminpour (١٩٥٩–٢٠٠٧) and Hossein Esrafili (born ١٩٥١)—beautifully reflect the concepts of resistance and steadfastness. The main aim of this study is to analyze the resistance-related themes in selected works of these two poets. The first sample is The Sudden Mirrors by Qeysar Aminpour, and the second is The Rock and the Leopard by Hossein Esrafili.Themes of resistance—both in religious-spiritual and socio-political dimensions—appear throughout the poetry of these two poets with varying frequencies. Concepts such as God, love, mysticism, self-sacrifice, and martyrdom illustrate the victory of the fronts of truth over falsehood through reliance on the names of the infallible Imams (A), especially the uprising of Imam Husayn (A)

Keywords: Resistance Literature, Poetry, The Sudden Mirrors, The Rock and the Leopard, Qeysar Aminpour, Hossein Esrafili, Holy Qur'an, Sacred Defense

---

١. Assistant Professor, Department of Quranic and Hadith Sciences, Bojnord Faculty of Quranic Sciences, Holy Quran University of Sciences and Education, Qom, Iran, Email: ariyanfar@quran.ac.ir (Corresponding author)

٢. PhD in Quranic and Hadith Sciences, Faculty of Quranic Sciences, Bojnord University of Holy Quran Sciences and Education, Qom, Iran. Email: s.ettehad٠٨@umail.umz.ac.ir

© **The Author(s).** **Publisher**: Kosar University

التنظيرات و النقد في الأدب العربي

السنة الثانية، العدد ٨، شتاء ١٤٠١

صص: ١٠٤-٨٧

DOI: ١٠,٢٢٠٣٤/JRAL.٢٠٢٥,٥٥٨٤٨٣,١٠٧٠

بررسی تطبیقی مضامین قرآنی ادبیات پایداری در مجموعه اشعار «صخره و پلنگ» اسرافیلی و «آینه‌های ناگهان»امین پور

مهدی آریان فر [۱]

فرناز اتحاد [۲]

(تاریخ دریافت: ۱۴۰۴,۰۸,۱۷، تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴,۰۸,۲۱)

چکیده

اصل قرآنی مقاومت و پایداری از جمله مباحثی است که پس از انقلاب اسلامی و وقایع دفاع مقدس نمود ویژه‌ای در ادبیات ایران پیدا کرد و در اشعار پس از انقلاب نیز جایگاه ویژه‌ای را برای خود برگزید. ادبیات مقاومت همچون ابزار و سلاحی توفنده و مستحکم است که موجب بقا و غنای فرهنگی جوامع مورد ظلم و جور قرار گرفته را فراهم می‌کند و موجب تحولات قابل توجهی در میان توده‌های مردمی می‌گردد. درون‌مایه‌های ادب پایداری اغلب برگرفته از مفاهیم قرآن‌کریم بوده و مواردی همچون دعوت به مبارزه و استقامت، ستایش پایداری و مقاومت، ستایش آزادی و آزادگی، بیان اسطوره‌ها و آرمان‌های ملی را شامل می‌شود. تحلیل این درون مایه‌های مقاومت در اشعار شاعران، ما را در کارکردهای ادب پایداری، بهتر رهنمون می‌سازد. در این میان آثار دو تن از شاعران برجسته کشورمان به نام قیصر امین پور (۱۳۸۶-۱۳۳۸ش) و حسین اسرافیلی (۱۳۳۰) مفاهیم ادبیات مقاومت و پایداری به زیبایی جلوه‌گر شده است که تحلیل مضامین پایداری دو نمونه از آثار این شاعران هدف اصلی این تحقیق می‌باشد. نمونه اول به نام «آینه‌های ناگهان» اثر قیصر امین پور ونمونه دوم «صخره و پلنگ» نوشته حسین اسرافیلی می‌باشد. مفاهیم مقاومت چه در بُعد مذهبی و دینی و چه در بعد سیاسی- اجتماعی هر دو در اشعار این دو شاعر با بسامدهای مختلفی قابل رویت است مفاهیمی مانند خدا، عشق، عرفان، ایثار و شهادت که بیانگر پیروزی جبهه‌های جنگ حق علیه باطل با توسل و تمسک به نام ائمه اطهار(ع) به ویژه قیام امام حسین (ع) بوده است.

واژگان کلیدی: ادبیات پایداری، شعر، آینه‌های ناگهان، صخره و پلنگ، قیصر امین‌پور، حسین اسرافیلی، قرآن‌کریم، دفاع مقدس.

---

۱. استادیار گروه علوم قرآن و حدیث، دانشکده علوم قرآنی بجنورد، دانشگاه علوم و معارف قرآن‌کریم، قم، ایران، ایمیل: ariyanfar@quran.ac.ir (نویسنده مسئول)

۲. دانش‌آموخته دکتری گروه علوم قرآن و حدیث، دانشکده علوم قرآنی بجنورد، دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم، قم، ایران.ایمیل: s.ettehad۰۸@umail.umz.ac.ir

© حق مولف نویسنده **ناشر:** دانشگاه کوثر

۱. مقدمه

در طول تاریخ بشریت آن حوادث و رویدادهایی که بزرگ و مهم بوده‌اند و دارای بازتاب و تأثیری عمیق بر جنبه‌های مختلف زندگی یک ملت داشته‌اند، همراه با خود ادبیات، فرهنگ، هنر و نوع نگرش‌ها را دچار تغییر و رو به نوآوری کرده‌اند چنانکه می‌بینیم انواع سبک و گونه‌های ادبی در ادبیات مختلف ملل و جوامع، برخاسته از یک حرکت و انقلابی عظیم در برهه‌ای از تاریخ بوده است و از این رو ادب و فرهنگ نیز از آن تغییر تأثیر پذیرفته است. بی‌تردید مهمترین پدیده‌های عظیمی که بر ادبیات و فرهنگ ایران اسلامی تأثیرگذار بوده است وقوع انقلاب اسلامی ایران و پس از آن دوران هشت سال دفاع مقدس بوده است که ایران اسلامی با حوادث و جریانات مختلفی رو به رو بوده است. ادبیاتی که از این ماجرا و رویدادها تأثیر پذیرفت دارای مضامین، نمادها، اصطلاحات و تعابیر خاص خود بود که باعث شد شاعران و نویسندگان تلاش کنند تا این مفاهیم و مضامین به درستی به دیگر افراد جامعه و حتی نسل‌های بعد منتقل گردد. چنین ادبیاتی که پس از استقامت و پایداری ملتی در برابر هجمه‌ها و ظلم‌ها پدید می‌آید به ادبیات پایداری یا مقاومت موسوم است.

بدیهی است با توجه به ماهیت اسلامی بودن انقلاب و دفاع مقدس بیشتر مضامین ادبیات پایداری، رنگ و بوی قرآنی دارد.

در میان شاعران بی‌بدیل میهن‌مان، دو شاعر نامی ایران به نام قیصر امین‌پور و حسین اسرافیلی در انجام این مهم تلاش بسیار نمودند. قیصر امین‌پور که به ملک‌الشعرای صلح معروف است[۱] اغلب اشعارش با مضامین دفاع مقدس و ادبیات مقاومت است و در مجموعه شعری با نام «آینه‌های ناگهان» هفتاد شعر با مضمون ادب پایداری دارد و حسین اسرافیلی[۲] در مجموعه «صخره و پلنگ» نیز نزدیک به هشتاد عنوان شعر با محور مقاومت و پایداری سروده است. از آنجا که مصادیق و بن‌مایه‌های ادبیات پایداری برگرفته از قرآن‌کریم در اشعار این دو شاعر به چشم می‌خورد، بررسی مقایسه‌ای مضامین مشترک و همانندی و ناهمانندی‌ها در اشعار این دو مجموعه با روش توصیفی- تحلیلی هدف اصلی مقاله است.

با وجود اینکه هر دو، از شاعران ادبیات مقاومت هستند اما در استفاده از مضامین پایداری دارای مشترکات و اختلافاتی نیز هستند و از این رو دو مجموعه شعر ایشان به عنوان منبع اطلاعاتی این پژوهش انتخاب گردید تا از رهگذر بررسی تطبیقی مضامین مقاومت در این دو مجموعه شعری، میزان تأثیرگذاری هر یک را در تبلیغ و ترویج پیام استقامت دریابیم.

۲. مفهوم شناسی تطبیقی

ادبیات پایداری از ترکیب دو کلمه ادبیات و پایداری به دست آمده که تبیین هر یک ما را در رساندن مفهوم ادبیات پایداری یاری می‌رساند.

۲-۱. ادبیات

اصولا ادبیات مفهوم ذهنی است که در جستجوی بیرونی خود برای یافتن محسوس عینی مرتبط با آن مفهوم، خواه و ناخواه به آثار ادبی، اعم از شعر (نظم) و نثر می‌رساند. به عبارتی دیگر آثار معین و متمایز ادبی چه نثر و چه شعر همان عین ادبی یا مصداق خارجی مفهوم ذهنی ادبیات‌اند. در واقع اعیان ادبی یا آثار خارجی ادبیات شامل داستان‌ها و غزل‌ها، قطعه‌ها، قصیده‌ها و رمان‌ها و ... یا شعرها و نثرها می‌باشند که سروده شدند (غیاثی‌راد، ذبیحی؛ ذکر شده از امیری خراسانی،۱۳۸۴: ۳۸۳).

۲-۲. پایداری، مقاومت

مفهوم مقاومت، پایداری و دفاع مفهومی عام و کاملاً ارزش تلقی می‌گردد زیرا یک واکنش غیر ارادی در برابر تهاجم است (کاکایی، ۱۳۸۰: ۵۵). واژه‌ی مقاومت برگرفته از فعل ثلاثی مجرد «قَام» به معنای به پا خاستن و برخاستن و نیز پایدار ماندن است. این واژه بر وزن مفاعله و به معنای با کسی با هم برخاستن و یا با هم از جا بلند شدن و با کسی ضدیت کردن و نیز ایستادگی و پایداری کردن است (میرقادری، کیانی: ۷۰). در قرآن نیز از واژه استقامت در ویژگی‌ها و ارکان مختلف استفاده کرده است مانند : «وَ أَلَّوِ اسْتَقَامُواْ عَلَى الطَّرِيقَةِ لَأَسْقَيْنَاهُم مَّاءً غَدَقًا» (جن/۱۶) «و اگر [مردم] در راه درست، پایداری ورزند، قطعاً آب گوارایی بدیشان نوشانیم» در معنای اصطلاحی نیز بر کلیه عکس‌العمل‌هایی اطلاق می‌شود که ممکن است به شکل تدابیر اجرایی و بازدارنده باشد و گروه یا سازمان یا فردی در رویارویی با تهدیدها و خطرها و تجاوزهای خارجی یا داخلی با آن رو به رو شود (مطلق شقور، ۲۰۰۹: ۲۰-۲۱)

۲-۳. ادبیات پایداری

ادب مقاومت بـه مجموعه‌ی آثاری گفته می‌شود که از زشتی‌ها و فجایع بیداد داخلی یا تجاوز بیرونی در همه‌ی حوزه‌های سیاسی، فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی با زبانی ادیبانه سخن می‌گوید. برخی از این آثار پیش از رخ نمودن فاجعه، برخی در زمان جنگ و یا پس از گذشت زمان به نگارش تاریخ آن می‌پردازد (شکری، ۱۹۷۹م: ۱۰-۱۱). ادبیات مقاومت در معنای جنگ با بیگانه، بازتاب روحی ـ روانی نسلی است ایستاده در مقابل یک رویداد تاریخی و نشان از مشارکت و مباشرت آن نسل در برابـر آن رویداد دارد (کاکایی، ۱۳۸۰: ۹).

۲-۴. شعر دفاع مقدس

از مفاهیمی که با ادبیات پایداری ارتباط تنگاتنگی دارد شعر دفاع مقدس می‌باشد، که به نخستین سروده‌های دفاع مقدس اطلاق می‌شود که در کمتر از یک هفته پس از آغاز حمله‌ی عراق چهره می‌نماید. طبیعی است چنین سروده‌هایی نمی‌تواند از پختگی و انسجام کافی برخوردار باشد، اما شور، برانگیزانندگی، رجزگونگی و احساس شفاف و زلال سرایندگان در تار و پود سروده‌ها ملموس و مشهود است (خوش عمل،۱۳۷۹).

۳. پیشینه شعر و ادبیات پایداری

پیش از انقلاب اسلامی ایران و هشت سال دفاع مقدس شعر آیینی در اشعار شاعران ایران زمین و شعر فارسی جایگاه و نمود و بروز داشته است. شاعرانی همچون عنصری، فرخی سیستانی، منوچهری دامغانی، شهید بلخی و کسایی مروزی و حتی فردوسی از جمله شعرایی هستند که مضامین خردگرایی و دین‌ورزی در اشعارشان مشهود است و تقریبا از اواخر قرن چهارم نخستین آثار شعر آیینی در بین فارسی زبانان ظهور پیدا کرد. در قرن هفتم با حمله‌ی مغول به سرزمین ایران تحولاتی در فرهنگ و اجتماع ایران پدید آمد بر ادبیات و شعر آن زمان نیز تأثیر گذاشت. در قرن هفتم و هشتم شاعرانی همچون مولانا، سعدی، خواجوی کرمانی، حافظ و اوحدی مراغه‌ای با اشعاری که در مدح ائمه (ع) و پیرامون کربلا و حوادث عاشورا سروده‌اند از شاعران آیینی پس از حمله مغول تا تشکیل دولت صفوی به شمار می‌آیند. در دوران صفوی علاقه‌مندی پادشاهان به مسائل دینی باعث شد تا خلاقیت شاعران بیشتر شود و همین

موضوع پیشرفتی چشمگیر در اشعار آیینی به وجود آورد. از جمله محتشم کاشانی از افرادی بود که ابتدا در مدح حاکمان روزگار خود اشعاری می‌سرایید اما با تغییر در نگرش و گرایش فکری‌اش به سرایش شعر آیینی روی آورد و در این رابطه چنین آمده است که: «نوشته‌اند که روزی قصیده‌ای در مدح شاه طهماسب صفوی و شاهزاده پری خانم فرستاد، ولی شاه پس از شنیدن آن، گفت: من راضی نیستم که شعرا زبان به مدح و ثنای من آلایند. قصاید در شأن شاه ولایت و ائمه معصومین (ع) بگویند. صله‌ی اول از ارواح مقدسه‌ی حضرات و بعد از آن از ما توقع نمایند» (صفا،۱۳۷۳: ۳۸). دو ترکیب بند مشهور فارسی یکی از عبدالرزاق اصفهانی در ستایش پیامبر اکرم (ص) و دیگری از محتشم کاشانی درباره واقعه کربلا از جمله اشعاری هستند که شاعران زیادی از آنها تأثیر پذیرفته‌اند. شعر محتشم با لحن پرسشگرانه موضوع شعر درباره‌ی واقعه کربلا را مشخص می‌کند:

باز این چه شورش است که در خلق عالم است　　باز این چه نوحه و چه عزا و چه ماتم است

باز این چه رستخیز عظیم است کز زمین　　بی نفخ صور خاسته تا عرش اعظم است (کاشانی، ۱۳۷۹: ۵۳۳).

از دوران مشروطه تا انقلاب اسلامی شعر آیینی تا حدی در انزوا قرار می‌گیرد و شاعران یا غیر مذهبی و یا ضد مذهب بوده‌اند. اما در همین دوران به تدریج نهضت‌های فکری و سیاسی و اجتماعی تحرکی در بطن جامعه ایجاد کرده و دیگر بار به تفکرات مذهبی و دینی پرداخته شد و شاعرانی همچون اقبال لاهوری، محمدحسین شهریار و علی موسوی گرمارودی با اشعارشان دیگر بار شعر آیینی را زنده و پویا کردند. موسوی گرمارودی آنچنان روش و حرکت را جدید می‌کند که هم از لحاظ محتوایی و هم قالب با نوعی بیان هنری و غیر مستقیم شعری عاشورایی با عنوان «خط خون» می‌سراید (محدثی خراسانی، ۱۳۸۸: ۱۰۸):

درختان را دوست می‌دارم
که به احترام تو قیام کرده‌اند
و آب را که مهر مادر توست
خون تو، شرف را سرخ‌گون کرده است
شفق آیینه‌دار نجابتت
و فلق، محرابی
که تو در آن، نماز صبح شهادت گزارده‌ای...
شمشیری که بر گلوی تو آمد
هر چیز و هکه چیز را در کاینات به دو پاره کرد
هرچه در سوی تو، حسینی شد
و دیگر سو، یزیدی
اینک ماییم و آب‌ها
درختان، کوهساران، جویباران، بیشه‌زاران
که برخی یزیدی، وگرنه حسینی‌اند
خونی که از گلوی تو تراوید
همه چیز و هر چیز را در کاینات به دو پاره کرد

در رنگ
اینک هر چیز، یا سرخ است
یا حسینی نیست (موسوی گرمارودی،۱۳۶۳: ۱۴۰-۱۳۹).

۴. محتوا و درون‌مایه‌های شعر پایداری و مقاومت (دفاع مقدس)

ادبیات پایداری و موضوعات مربوط به آن حوزه و دایره‌ای وسیع دارد و هر جنبه‌ای از آن جای بحث جداگانه دارد؛ موضوعاتی از قبیل پیشینه و عوامل پدید آمدن این نوعِ ادبی، شاعران مهم این نوعِ ادبی، تأثیر شعر پایداری بر انقلاب و دفاع مقدس، تأثیرپذیری جنگ و مقاومت از آثار شاعران دفاع مقدس و همچنین تغییرات سبکی و قالب‌های شعری که در ادبیات پایداری با تغییراتی مواجه شد همه و همه از جمله موضوعات مربوط به ادبیات مقاومت و با قابلیت تحقی و پژوهش هستند.

از آنجا که هدف تحقیق پیش‌رو بررسی مضامین و بن‌مایه‌های ادب مقاومت در اشعار قیصر امین‌پور و حسین اسرافیلی است در این بخش تنها اشاره‌ای به درون‌مایه و مضامین شعری دفاع مقدس داریم تا همین موارد را در اشعار دو شاعر مذکور مورد بررسی و تحلیل قرار دهیم.

مفاهیم و موضوعات شعر جنگ و مقاومت به طور کلی یا مفاهیمی مذهبی و دینی است و یا مضامینی سیاسی و اجتماعی دارد. آنچه که به مفاهیم قرآنی و دینی مربوط می‌شود و زیر شاخه‌ای از آن قرار می‌گیرد شامل مفاهیمی همچون خدا، عشق، عرفان، جلوه حماسی عاشورا، پیام کربلا و آرزوی دیدار کربلا می‌شود. مفاهیم سیاسی و اجتماعی را نیز می‌توان به مفاهیمی همچون ستم ستیزی، مرثیه و سوگ، شهرها و مناطق مرزی، شخصیت‌های مهم سیاسی (رهبر انقلاب، رحلت امام و دیگر شخصیت‌های مهم)، شهید و شهادت (وصف شهدا، وداع با شهدا، یادکردن مقام والای شهدا و ...)، مبارزه طلبی (مقاومت، تشویق رزمندگان به مقاومت، دعوت به مبارزه با ظلم) و همچنین پس از پایان جنگ با مفاهیمی همچون حسرت بازماندگان از کاروان شهدا، بیان مظلومیت رزمندگان اسلام و شهدا و دلتنگی و یاد شهدا و چنین مضامینی نیز در اشعار شاعران این دوره مشهود است. و حتی مضامین اعتراضی را نیز در این مجموعه‌های شعری می‌بینیم، اعتراض به فراموشی سپردن شهدا و سکوت جهانی و دگرگونی ارزش‌ها از این قبیل مضامین است. در بیانی دیگر نیز موضوع حماسی اشعار انقلاب و پایداری با دسته‌بندی معرفی و ستایش رشادت‌ها و دلاوری‌های رزمندگان اسلام، دعوت به مبارزه و قیام، ایستادگی در برابر بیداد، مفاهیم عرفانی، سوگ سروده، جایگاه شهدا نیز بیان شده است.

به صورت خلاصه دسته‌بندی موضوعی و مضامین شعر مقاومت که بر اساس دسته‌بندی نویسندگان صورت گرفته است به شرح زیر ارائه می‌گردد:



نمودار۱: دسته‌بندی موضوعی محتوایی شعر مقاومت

۵. بررسی مضامین مشترک شعر پایداری در مجموعه اشعار امین‌پور و اسرافیلی

با مطالعه و بررسی اجمالی شعر قیصر امین‌پور و حسین اسرافیلی می‌توان مضامین ادبیات پایداری را در آن جستجو کرد. این دو شاعر ادبیات پایداری با ذوق و هنر شاعرانگی خویش توانسته‌اند مفاهیم ادب مقاومت و پایداری دفاع مقدس و جریانات پس از آن را به خوبی به تصویر بکشند و مضامینی همچون خدا، عرفان، حماسه، عاشورا، فرهنگ شهادت، وطن‌پرستی و دفاع از میهن، روحیه مقاومت، وصف شهدا و شهادت و حتی اعتراض به اوضاع پس از جنگ و فراموش شدن برخی باورها و ارزش‌های رزمندگان و شهدا را در شعر خود پرورانده‌اند. هر چند سبک شعری و به کار گرفتن این مضامین در نحوه‌ی سرایش اشعار مشهود است اما هر دو شاعر دغدغه‌ی بیان این مفاهیم در شعر خود را دارند و هر دو بیان‌کننده‌ی یک مفهوم عام و یک درد مشترک هستند.

آنچه که مورد شباهت در اشعار این دو شاعر مشخص شده است با ذکر نمونه‌هایی از اشعار هر دو شاعر و از مجموعه شعرهای مذکور در بخش‌های پیشین به ترتیب و با توضیحات و تحلیلی مختصر در ادامه بیان می‌گردد و در نهایت مفاهیمی که هر شاعر متفاوت از دیگری در شعر خود به کار گرفته است نیز بیان می‌گردد.

۵-۱. مفاهیم دینی در اشعار قیصر امین‌پور و حسین اسرافیلی

۵-۱-۱. خدا

در قرآن‌کریم واژه «الله» بالاترین بسامد را دارد به طوری که ۲۶۹۹ بار آمده است با توجه به اینکه ادبیات پایداری ریشه در باورهای مذهبی، دینی و قرآنی دارد و به نوعی با آن‌ها عجین شده است؛ رفته رفته از مدح و ثنای پادشاهان و حاکمان به مدح و مرثیه ائمه اطهار (ع) و سپس مفاهیم حماسی تغییر پیدا کرد. در نتیجه در این اشعار جایگاه خداوند و مفاهیم در ارتباط با این وجود لایتناهی دور از انتظار نیست:

بت‌ها، الهه‌ها و پیکر تمام خدایان را صورتگران به نام تو تصویر می‌کنند در این منظومه با نام «نه گندم نه سیب» (امین‌پور، ۱۳۸۸: ۴۷-۴۱). امین‌پور بارها خداوند را با زبانی شعرگونه به تمامی نام‌ها می‌خواند و خداوند را بر اساس کثرت در وحدت و وحدت در کثرت هم در همه چیز می‌بیند و هم همه چیز را در وجود او:

تاریخ عاشقان فهرست کوچکی از بی‌شمار نام شهیدان توست پیغمبران به نام تو سوگند خورده‌اند و شاعران گمنام تنها به جرم بردن نام تو مرده‌اند زیرا که نام کوچک تو شرح هزار نام بزرگ خداست زیرا هزار نام خدا زیباست! حسین اسرافیلی نیز مضمون و مفهوم خدا را در شعری در رثای شهید مطهری با عنوان «شقیقه، سمت خدا چرخید» (اسرافیلی، ۱۳۸۹: ۱۳). چنین می‌آورد: شقیقه سمت خدا... خندید که آرزوی همانش بود/ میان خون نزند لبخند به غیر «ارجعی» اندیشان/ خدا و ... دعوت و ... این رجعت، .... همان که شوق نهانش بود.

آنچه که قیصر به عنوان مفهوم خدا استفاده می‌کند با آنچه که در شعر اسرافیلی به کار رفته است کمی متفاوت است، قیصر با نگاهی استعاری و در قالب مفاهیم خدا را در شعر خود آورده است در صورتی که در شعر اسرافیلی خدا را مستقیما در شعر وارد کرده است و حتی به آن تشبیه را نیز نسبت داده است. پس آنچه که مسلم است هر دو شاعر از این مفهوم چه به صورت مستقیم و چه استعاری بهره برده‌اند و مفهوم خدا در شعر ایشان مشترک است.

۵-۱-۲. عشق

مفهوم عشق در شعر شاعران دفاع مقدس و ادبیات پایداری رابطه با روحیات شهدا و عامل رسیدن به فیض شهادت دارد یعنی همین عشق و شوق وصال به معشوق است که در شعر شعرای ادبیات مقاومت انعکاس یافته است حتی قیصر در شعری با عنوان «اگر عشق نبود» (امین‌پور، ۱۳۸۸: ۹۵). زندگی و سیر و سلوک بدون عشق را بی‌معنا می‌داند و از طرفی معتقد است تا عشق نباشد هیچ هدف و مقصودی به نهایت نمی‌رسد و می‌بینیم رزمندگان و شهدا با آن عشق ناب و پاکی که برای وصل به معبود داشتند توانستند از خود استقامت نشان دهند و در آن شرایط سخت مقاومت کنند و از کشور دفاع کنند:

از غم خبری نبود اگر عشق نبود/ دل بود ولی چه سود اگر عشق نبود؟/ بی‌رنگ‌تر از نقطه‌ی موهومی بود/ این دایره‌ی کبود، اگر عشق نبود/ از آینه‌ها غبار خاموشی را/ عکس چه کسی زدود اگر عشق نبود؟/ درسینه‌ی هر سنگ دلی در تپش است/ از این همه دل چه سود اگر عشق نبود؟/ بی عشق دلم جز گرهی کور چه بود؟/ دل چشم نمی‌گشود اگر عشق نبود/ از دست تو در این همه سرگردانی/ تکلیف دلم چه بود اگر عشق نبود؟

حسین اسرافیلی هم در اشعارش از واژه‌ی عشق استفاده کرده است و در این خصوص شهید و شهادت و عامل آن را عشق و عاشقی در راه حق می‌داند. در شعری با نام «رسم عاشقان» چنین می‌سراید:

همای عشق را آتش به جان است/ به بالش زخم شمشیری نشان است/ یلان را عشق، گلگون می‌پسندد/ به میدان، غرقه در خون می‌پسندد/ دل شوریده را نبود قراری/ همای عشق کی گردد حصاری؟/ مرا بر زخم اینان بی‌قراری‌ست/ که رسم عاشقان، آیینه‌داری‌ست/ ...

مفاهیمی همچون عشق‌بازی و عاشقان و از این قبیل نیز در مجموعه شعری او فراوان یافت می‌شود که منظور همان عشق و شور شهادت در راه حق است و از مضامین پایداری در شعر مقاومت به حساب می‌آید.

۵-۱-۳. عرفان

عرفان حرفی است که از دل بر می‌آید و معرفتی است که در احوال عارف حالتی خاص ایجاد می‌کند و عارف خویش را در محضر خدا می‌بیند و بی‌واسطه و صمیمی با او به گفتگو می‌نشیند و حتی پیش می‌آید که چارقش را بدوزد و شانه بر سرش زند و او را از رگ گردن به خود نزدیک‌تر بداند (ستاری،۱۳۷۲: ۱۳). در شعر پایداری نیز از آنجا که دفاع مقدس ریشه در اعتقادات مذهبی و اصول قرآنی دارد عرفان در شعر دفاع مقدس نیز با مضامین و مفاهیم خاص خودش جلوه‌گری کرده است:

موجیم و وصل ما، از خود بریدن است/ ساحل بهانه‌ای است، رفتن رسیدن است/ تا شعله در سریم، پروانه اخگریم/ شمعیم و اشک ما، در خود چکیدن است/ ما مرغ بی‌پریم، از فوج دیگریم/ پرواز بال ما، در خون تپیدن است/ پر می‌کشیم و بال، بر پرده‌ی خیال/ اعجاز ذوق ما، در پر کشیدن است/ ما هیچ نیستیم، جز سایه‌ای ز خویش/ آیین آینه، خود را ندیدن است/ گفتی مرا بخوان، خواندیم و خامشی/ پاسخ همین تو را، تنها، شنیدن است/ بی‌درد و بی‌غم است، چیدن رسیده را/ خامیم و درد ما، از کال چیدن است (امین‌پور، ۱۳۸۸: ۱۵۱).

در شعر امین‌پور شاعر خود را به از خود بریدن فرا می‌خواند و شهادت را وصل به «او» می‌داند و چنین تعابیر عرفانی در شعر او متجلی شده است (حسین اسرافیلی، ۱۳۸۹: ۲۹). نیز از چنین مفاهیمی در مجموعه شعرش و شعری با عنوان هزار آیینه دارد که چنین می‌سراید:

باز هم شهر، پر از خاطره‌ی عاشوراست/ جلوه‌ی اوست که در آینه‌ها پیچیده‌ست/ باز کن پنجره را که نسیم حرم است/ اینکه تا دامنه‌ی ذکر و دعا پیچیده‌ست/ بانگ بردار: فنا نیست در اندیشه‌ی عشق/ که «هزار آینه» شولای بقا پیچیده‌ست.

همین روحیه‌ی پاک و ایمان خالص رزمندگان اسلام و شهیدان راهِ حق باعث شده است تا همچون آینه‌ای که منعکس‌کننده‌ی این روح پاک است در شعر انقلاب و دفاع مقدس ظاهر شود.

۵-۱-۴. عاشورا و حماسه‌ی کربلا

همان‌طور که پیش‌تر اشاره شد شعر آیینی در آغاز تنها مدح و ثنای پادشاهان و حاکمان است و سپس کم‌کم مدح ائمه اطهار و به ویژه ثنای امام حسین (ع) و حماسه‌ی عاشورا ویژه شد و در دوره‌ی هشت ساله‌ی دفاع مقدس با توجه به شرایط و حوادثی که پیش‌آمد حماسه‌ی کربلا و وقایع عاشورا بیش از پیش در شعر آیینی و ادب مقاومت نمود پیدا کرد.

من با دهان مرثیه می‌خوانم:

ای کاش عاشقان تو می‌ماندند! و اسب‌هایشان را –آن‌گونه با شتاب– در امتداد جاده نمی‌راندند! (امین‌پور، ۱۳۸۸: ۱۲۷).

در شعری دیگر قیصر امین‌پور چنین می‌سراید:

تن جاده از رفتنت جان گرفت/ رگ راه جز رد پای تو نیست/ مزار تو بی‌مرز و بی‌انتهاست/ تو پاکی و این خاک جای تو نیست/ به تشییع زخم تو آمد بهار/ که جز سبز، رخت عزای تو نیست/ کسی کز پی اهل مرهم رود/ دگر شیعه‌ی زخم‌های تو نیست/ به آن زخم‌های مقدس قسم/ که جز زخم، مرهم برای تو نیست (همان، ۱۴۲).

زبان قیصر درباره‌ی حماسه‌ی عاشورا و امام حسین (ع) استعاری است و هر چند مستقیم اشاره به واژه‌ی عاشورا و کربلا نشده است اما بسیار زیبا در زبانی استعاری به قیام امام حسین (ع) و وقایع کربلا اشاره شده است.

حسین اسرافیلی با بیانی روشن‌تر و با تشبیه شرایط درباره‌ی دفاع مقدس و حوادث کربلا به سرایش اشعارش می‌پردازد و در «مثنوی شهیدان» که برای شهید کاظمی و همراهانش سروده است به زیبایی شهادت و فرهنگ عاشورا را به تصویر می‌کشد (اسرافیلی، بی‌تا: ۶۹):

کشیده جان و دلش را به خلوتی دیگر/ جمال عشق حسینی به طلعتی دیگر/ .../ گزین شدند که رنگ حسینیان گیرند/ حسین فاطمه (ع) را سرخ در میان گیرند/ .../ گزین شدند که بر حشر، سرخرو آیند/ شکسته بال و پر زخم در گلو آیند/ گزین شدند که پیمانه‌ی «بلی» بزنند/ به جان شیفته، پیوند «کربلا» بزنند/ .../ اگرچه در عرفه قطعه قطعه گردیدند/ حسین فاطمه (س) را میزبان خود دیدند/ زدند از عرفه، پل به «ظهر عاشورا»/ گرفت طلعتشان رنگ و بوی «کرب و بلا».

در این مثنوی بسیار مشخص است که شاعر دقیقا نحوه‌ی شهادت و خلوص آنان را با سالار شهیدان و حماسه‌ی عاشورا مقایسه می‌کند و نام امام حسین(ع) و وقایع مربوط به حوادث آن امام شهید مشخصاً مشهود است.

۶. مفاهیم سیاسی-اجتماعی

بن‌مایه‌های شعر هر شاعری با مسائل عصر وی ارتباط تنگاتنگ دارد و مسائل سیاسی و اجتماعی نیز همواره نقش فراوانی در دگرگونی هر ملت داشته است. جنگ تحمیلی تأثیر بسیار عجیب و گسترده‌ای در ادبیات ما و به طور کلی در ابعاد دیگر فرهنگی داشته و هنر عصر ما بی‌گمان، تحت تأثیر جنگ قرار گرفته است و بیشتر مضامین شعر شاعران دوره‌ی دفاع مقدس را جنگ و جبهه و سنگر و شهادت تشکیل می‌دهد و هر شاعری از نظرگاه خویش، جنگ را بازگو کرده است که مضامینی همچون ستم ستیزی، دعوت به مبارزه و مقاومت، دفاع از وطن و مضامینی از این قبیل را در بر دارد و در ادامه به این مضامین مشترک در شعر شاعران مذکور خواهیم پرداخت.

۶-۱. ستم ستیزی و دعوت به مبارزه

سروده‌های دوره دفاع مقدس و پس از آن که با درون‌مایه‌ی ستم ستیزی و دعوت به مبارزه سروده شدند معمولاً یا محتوایی دارند که در مقابل ستم به دفاع فرا می‌خواند و یا با تکیه بر اندیشه‌های دینی تصویری از بیداد جهانی را ترسیم می‌کند و هدف بیدارسازی و آگاهی‌بخشی جهانیان در برابر این ظلم و ستیزها را دارد. همچنانکه در قرآن نیز توصیه می‌کند که برای خدا بپا خیزید: «أَنْ تَقُومُوا لِلَّهِ مَثْنىٰ وَ فُرادى» (سبا، ۴۶).

جنگل بلند و سبز به پا خاست و با تمام قامت این قطعنامه را با نعره‌ای بلند و رسا خواند:

جنگل هجوم طوفان را تکذیب می‌کند! جنگل هنوز جنگل/ جنگل همیشه جنگل خواهد ماند! (امین‌پور، ۱۳۸۹: ۱۱۷).

در شعر امین‌پور همچنان مفاهیم و مضامین به صورت استعاری استفاده می‌شود و در این شعر نیز مبارزه و مقاومت در شکل و مفهوم جنگل و ماهیت آن بیان شده است. همچنین در قالب واژه‌ی طوفان از مبارزه و آغاز مقاومت می‌گوید (همان،۱۵۳).

تیغ مردان خورشید در مشت/ کور سوی شب تیره را کشت/ یک زبان زندگی، یک زبان مرگ/ ذوالفقاری سخنگوی در مشت/ قومی از زخم و خون، نسل در نسل/ از تبار جنون، پشت در پشت/ سوزشان: آتش طور موسی/ داغشان: مهر محراب زردشت/ کوله بر پشت و سجاده در پیش/ جاده در پیش رو، جاده در پشت/ مهر پایان مرداب در دست/ حکم آغاز طوفان در انگشت.

در این شعر طوفان و آمادگی و مبارزه و مقاومت و استقامت در راهی که قرار است انجام شود با زبان استعاری امین‌پور قابل مشاهده است.

قیصر امین‌پور در مجموعه شعری «آینه‌های ناگهان» مستقیماً شعری درباره‌ی وطن نگفته است اما حسین اسرافیلی در مجموعه شعر «صخره و پلنگ» شعری با عنوان «وطنم» (امین‌پور، بی‌تا: ۴۵). دارد که مستقیماً درباره‌ی وطن و وصف مقاومت و ایستادگی‌های طی دوران هجوم و جنگ را به تصویر می‌کشد:

وطنم سرافراز در میدان/ ایستاده چنانکه صخره و کوه/ وطنم، سرزمین آتش و خون/ وطنم، جلوه‌گاه شور و شکوه/ .../ در هجوم پلید تیر نفاق/ وطنم خود شهید میدان است.

در شعری با عنوان اهتزاز (همان، ۳۶). از مقاومت و روحیه‌ی مبارزه‌ی رزمندگان و شهیدان چنین می‌سراید:

باز مردانی از قبیله‌ی عشق/ پرچم کربلایشان بر دوش/ .../ می‌روند و نگاه مردم شهر/ مانده در حیرت از شهامتشان/ .../ شانه بر شانه مثل جنگل و کوه/ رو به خورشید و ریشه ها در خاک/ ...

در این شعر می‌بینیم که حسین اسرافیلی نیز همچون قیصر امین‌پور با زبانی استعاری و تشبیه مقاومت و مبارزه را به تصویر می‌کشد و این از زیبایی‌های کار شاعر است که این چنین مفاهیم ادب پایداری را با لطافت و ذوق شاعرانگی در می‌آمیزد.

۶-۲. مرثیه

مرثیه‌ها در شعر پایداری دو دسته‌اند یا خطاب به شهیدان است و یا خطاب به مناطق جنگ‌زده است که با آن‌ها همدردی کرده‌اند. در قرآن هم توصیه به صبر بر مصیبت شده است (بقره/ ۱۵۵). قیصر امین‌پور در مرثیه‌ای برای سیدالشهدا چنین می‌سراید:

من در سوگ خویش مرثیه می‌خوانم: ای کاش آنگونه عاشقانه نمی‌خواندند! آنگونه آسمانی که بال‌های مرتعش ما را دنبال بال خویش کشاندند اما با حسرت رسیدن در بال‌های کال ما را به سوگ خویش نشاندند (امین‌پور، ۱۳۸۹: ۱۲۷).

یا سروده‌ای برای فلسطین دارد که چنین با آن سرزمین اشغال شده هم‌دردی می‌کند:

در انتهای کوچه‌ی شب، زیر پنجره/ قومی نشسته خیره به تصویر پنجره/ این سوی شیشه، شیون باران و خشم باد/ در پشت شیشه بغض گلوگیر پنجره/ اصرار پشت پنجره‌ی گفتگو بس است/ دستی برآوریم به تغییر پنجره... (همان،۱۴۷).

در هر حال زبان قیصر بیشتر استعاری است و با تحلیل و نشانه‌ها و البته موضوعاتی که خود شاعر برای شعرش آورده است می‌توان به مضامین آن پی برد.

حسین اسرافیلی اما با واژگانی مشخص‌تر از مضامین ادب پایداری بهره برده است و در شعرش چنین سروده است:

از محاصره می‌آیند/ از حصار نیزه و شمشیر/ از زخم و تازیانه و زنجیر/ مردان آهنین/ که خورشید، بارها/ بر زخمهایشان/ هر صبح و غروب/ گلبوسه‌های حسرت و حیرت نشانده است... (اسرافیلی، بی‌تا: ۲۵).

یا در شعر دیده با آنکه برای جانبازان عزیز سروده است می‌گوید:

پر شکستی و ز پرواز اگر جا ماندی/ علم خون تو از پنجره‌ی جان پیداست/ دیده بانا! اگر آیینه‌ی چشم تو شکست/ نظر معرفت تا سر پیمان پیداست... (اسرافیلی، بی‌تا: ۲۷).

۶-۳. شخصیت‌ها

معرفی شخصیت‌ها تأثیر مهمی بر مقاومت و صبر دارد از همین رو در قرآن‌کریم برای تثبیت قلب پیامبر و تشدید روحیه مقاومت سرگذشت دردناک پیامبران را ترسیم می‌نماید. بر این اساس در مجموعه شعر قیصر امین‌پور که در این مقاله مورد بررسی قرار می‌گیرد شخصیتی که مشخصاً به آن اشاره شود یافت نگردید هر چند ممکن است به عنوان استعاری شعری در این مجموعه بوده باشد اما شعری که درباره رهبر انقلاب و یا رحلت امام باشد مشخصاً یافت نگردید. از طرفی درباره‌ی حضرت علی (ع) و امام حسین (ع) اشعاری سروده شده‌اند که در بخش‌های پیشین نیز اشاره شد. سروده‌هایی با عنوان کوچه‌های کوفه (امین‌پور، بی‌تا: ۱۴۳). و در سوگ خویش مشخصاً به این دو شخصیت اشاره شده است:

این جزر و مد ماه چیست که تا ماه می‌رود؟/ دریای درد کیست که در چاه می‌رود؟/ این‌سان که چرخ می‌گذرد بر مدار شوم/ بیم خسوف و تیرگی ماه می‌رود.... (امین‌پور، بی‌تا: ۱۲۷).

اما حسین اسرافیلی درباره شخصیت‌های جنگ و شهیدان بسیار شعر دارد و حتی قطعاتی با نام موشّح نیز دارد که سرآغاز هر بیت سرواژه‌ی نام یکی از شهیدان است و برای ایشان شعر را سروده است. همچنین برای سید حسن نصرالله سورده‌ای در قالب شعر نو و با نام امنیت دارد و رباعیاتی چند برای شهیدان شهرستان مراغه مشخصاً سروده است:

بخشی از قطعه‌ی موشح برای شهید محمدجواد تندگویان:

ش- شهادت جز کرامت نیست ما را/ ز شمشیر جراحت نیست ما را

ه- همای عشق را آتش به جان است/ به بالش زخم شمشیری نشان است

ی- یلان را عشق، گلگون می‌پسندد/ به میدان، غرقه در خون می‌پسندد

د- دل شوریده را نبود قراری/ همای عشق کی گردد حصاری

م- مرا بر زخم اینان بی‌قراری‌ست/ که رسم عاشقان، آیینه‌داری‌ست

ح- حرامم باد اگر بی‌یاد یاران/ کنم میلی به گلگشت بهاران(اسرافیلی، بی‌تا: ۲۰).

و این شعر همچنان ادامه می‌یابد تا سرواژه‌های هر بیت نام شهید تندگویان را کامل می‌کند.

۶-۴. شهید و شهادت

موضوع شهید و شهادت همواره از مهم‌ترین و مورد توجه‌ترین موضوعات قرآن (بقره/ ۱۵۴؛ آل عمران/ ۱۶۹). و شعر پایداری بوده است و این موضوع با زیر موضوعات فرهنگ شهادت و دلجویی از خانواده‌ی شهدا، وداع با شهدا، وصف کار عظیم شهدا و همچنین دعوت به شهادت‌طلبی از این جمله موارد است. در توصیف شهیدان و زخم‌های آنان در جبهه‌ی جنگ امین‌پور چنین می‌سراید:

گفتند: از سقف‌های کاذب سربی، باران زرد باران شیمیایی می‌بارد، گفتند: گل‌های شرحه شرحه‌ی مارا با داغ‌های کهنه‌ی مادرزاد تشریح می‌کنند... (امین پور، ۱۳۸۹: ۱۲۶).

همچنان شعر قیصر پر از استعاره‌هاست و مخاطب باید با زبان شعری و تعابیر او آشنا باشد تا مضامین را درک و تفسیر کند.

اما حسین اسرافیلی مستقیما واژه‌ی شهید و شهادت را در شعرش به کار می‌گیرد و حتی به صورت پاورقی مشخص می‌کند که این شعر برای کدام شهید بزرگوار سروده شده است:

برای شهید دکتر فتحی شقاقی:

ابر چشمانم بر باغهای آفت دیده می‌بارد تا شاید باغهای خشکیده آبیاری شود. اشک، تنها تسلی اندوه من است... (امین‌پور، بی‌تا: ۸۰).

یا برای خانواده‌ی معظم شهدا چنین می‌سراید:

ای شما خانواده‌ی شهدا که عزیزانتان به خون خفتند! در کنار حسین خیمه زدند و دعوت عشق را «بلی» گفتند... (امین‌پور، بی‌تا: ۳۸).

همچنین در عنوانی کلی برای شهیدان چنین سروده است:

شهیدان، اسوه‌ی ایثار و عشق‌اند/ شهیدان، بهترین‌های خدایند/ شهیدان، مثل گل در باغ جنت/ گلستان تا گلستان آشنایند... (این‌پور، بی‌تا: ۴۹).

۶-۵. پس از جنگ

پس از انقلاب اسلامی و پایان جنگ تحمیلی حسرت دوران جنگ و بازماندن از قافله‌ی شهدا و رزمندگان در شعر پایداری خود را نشان داد. همچنین زبان اعتراض نیز در این شعر و در این زمان نمود پیدا کرد.

۶-۶. حسرت

حسرت و دلتنگی برای روزهای جنگ و جا ماندن از شهیدان همواره در شعر شاعران پایداری مشهود است و امین‌پور با زبانی اشاری نیز این مضمون را بیان می‌دارد:

ما را به حال خود بگذارید و بگذرید/ از خیل رفتگان بشمارید و بگذرید/ اکنون که پا به روی دل ما گذاشتید/ پس دست بر دلم مگذارید و بگذرید/ تا داغ ما کویر دلان تازه‌تر شود/ چون ابری از سراب ببارید و بگذرید... (امین‌پور، بی‌تا: ۱۰۴).

حسین اسرافیلی نیز مستقیم حسرت و روسیاهی خویش در برابر کار والای شهیدان را چنین بیان می‌کند:

شهیدان، روسپیدان بهشتند/ من و دل، هر دو اما روسیاهیم/ من و وصف شهیدان خدایی؟/ زبانِ الکن و من، عذرخواهیم... (اسرافیلی، بی‌تا: ۵۰).

۶-۷. اعتراض

آنچه که پس از جنگ با آن روبرو هستیم و این مضمون بیشتر با نسل کنونی سنخیت دارد به فراموشی سپرده شدن فرهنگ ایثار و شهادت و نادیده گرفته شدن کار پر ارزش شهیدان و رزمندگان در جبهه‌ها است. اعتراض ممکن است حتی متوجه آنانی باشد که از جبهه و جنگ و شهادت فاصله گرفته و در شادی و رفاه زیسته اند. قیصر امین‌پور چنین از اعتراض می‌گوید:

در گذشته، سرگذشتم این نبود/ حال، شرح‌حال من، چرا چنین؟/ نسل اعتراض انقراض یافت/ حیف شد زوال من چرا چنین؟ ... (امین‌پور، بی‌تا: ۱۰۱).

و حسین اسرافیلی نیز چنین اعتراضش را در شعر دریا و سراب مشخص می‌کند:

وقتی برادران روشنم/ در آفتاب/ زیارتنامه‌ی خورشید می‌خواندند/ و برای سفر به دهکده‌ی روشن تجلایی/ اذن دخول می‌طلبیدند/ شما در سایه‌سار عافیت/ سکه شمردید....(اسرافیلی، بی‌تا: ۵۷).

نتیجه گیری

مقاله‌ی حاضر به بررسی مضامین قرآنی ادبیات پایداری در شعر قیصر امین‌پور و حسین اسرافیلی پرداخته است. با مطالعه‌ی دو مجموعه‌ی شعر «آینه‌های ناگهان» و «صخره و پلنگ» مضامین مشترک بسیاری در شعر این دو شاعر مشاهده شد. و در این میان زبان قیصر امین‌پور استعاری‌تر از حسین اسرافیلی است و یافتن مضامین پایداری در شعر اسرافیلی مشخص‌تر و بارزتر است در حالی که در اشعار قیصر باید دقیق شد و با توجه به زبان استعاری او مضامین و مفاهیم را تفسیر کرد. مفاهیم مقاومت چه از بُعد مذهبی و دینی و چه از بعد سیاسی–اجتماعی هر دو در اشعار این دو شاعر با بسامدهای مختلفی قابل رویت است و از آنجا که هر دو شاعر در زمان جنگ و همچنین پس از آن بوده‌اند به زیبایی هم به بیان مفاهیم و مضامین آن دوران پرداخته‌اند و هم زبان اعتراض و حسرت پس از جنگ را به خوبی انتقال داده‌ند. این دو شاعر با بیان مفاهیم خدا، عشق و عرفان در شعرشان ادب پایداری را ریشه‌دار در اسلام و مفاهیم آن بیان می‌کنند و از طرفی با بیان مفاهیم ایثار و شهادت و فرهنگ شهادت و الهام گرفتن از عاشورا و مرثیه و سوگ این چنین بیان می‌کنند که همواره جبهه‌های جنگ حق علیه باطل با توسل و تمسک به نام ائمه و مخصوصا قیام امام حسین (ع) بوده است. و با زبان اعتراضی تلاش بر دعوت به مقاومت و پایداری بیش از پیش و بیداری ملت و انسان‌های آزاده‌ی جهان دارند.

پی‌نوشت‌ها

۱. قیصر امین‌پور متولد سال ۱۳۳۸ شمسی در منطقه گتوند درفول می‌باشد ازسال ۱۳۵۷ برای ادامه تحصیل به دانشگاه به تهران عزیمت کرد و در سال ۱۳۶۷ تدریس در دانشگاه الزهرا را نیز بر فعالیت‌های فرهنگی خویش افزود. دبیری بخش ادبی فصلنامه هنر و مسوولیت در دفتر شعر جوان و عضویت پیوستهٔ فرهنگستان زبان و ادب فارسی از سال ۱۳۸۲ش را نیز باید به فعالیت های او اضافه کرد. آثار او در محافل جشنواره‌های ادب و هنر همواره مطرح بوده و در سال ۱۳۶۸ تندیس مرغ آمین را از جایزه‌ی ویژه‌ی نیما دریافت کرد. دو کتاب «ظهر روز دهم» و «به قول پرستو» در همان سالهای نشر ۱۳۶۵ و ۱۳۷۵ جایزه جشنواره کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان را از آن او کرد. مجموعه شعرهای دیگر او شامل تنفس صبح ۱۳۶۳ در کوچه آفتاب ۱۳۶۳ مثل چشمه مثل رود ۱۳۶۸ آیینه‌های ناگهان ۱۳۷۲ زلال ۱۳۷۸ گلها همه آفتابگردانند ۱۳۸۰ (فرشادمهر، ۱۳۸۵: ۳۶۷). وی در سـال ۱۳۸۶ شمسی بـر اثر بیماری کلیه و قلب، دار فانی را وداع گفت (یوسف نیا، ۱۳۸۶: ۶۲). شاعری وی از نوع روشنفکری و روشنفکران دینی بوده است و از این جهت به روشنفکران دینی شباهت داشت که قصد پیوند قالب نو و فکر کهن را داشت، با این توضیح که فکر کهن را فکر کهنه نمی‌دانست اما با همین فکر کهن، دغدغه‌های نو پیدا کرده بود. همچون شاعران نو، ضد جنگ بود اما شاعر دفاع مقدس هم بود (امین‌پور، ۱۳۷۸: ۶۵).

۲. حسین اسرافیلی متولد اسفند ۱۳۳۱ش در شهرتبریز است. دوران کودکی و تحصیلات ابتدایی و متوسطه را در شهرهای مراغه و تهران و دزفول گذراند و در سال ۱۳۵۲ دیپلم گرفت. سپس در نیروی هوایی استخدام شد و در آبان ۱۳۵۷ استعفا داد و پس از انقلاب نیز دوباره به کارش ادامه داد تا اینکه از شهریور ۱۳۸۱ بازنشسته گردید. او در دوران نوجوانی به شعر روی آورد و شعرهایش تاکنون به صورت پراکنده در نشریات مختلف کشور، جُنگ‌های ادبی و مجموعه‌های شعری گردآوری شده و انتشار یافته است (شیرشاهی،۱۳۹۰: ۴۴۱). حسین اسرافیلی از روزهای پیروزی انقلاب تاکنون در اکثر همایش‌های سراسری شعر دفاع مقدس و شب‌های شعر دفاع حضوری فعال داشته است. حسین اسرافیلی در سال ۱۳۷۸ از سوی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به عنوان یکی از شاعران برتر دفاع مقدس در دهه‌های ۱۳۶۰–۱۳۷۰ برگزیده و معرفی شد (بیگی حبیب آبادی، ۱۳۸۲: ۸۹). اسرافیلی یکی از اولین شاعرانی است که به شعر انقلاب و جنگ پرداخته است و «تولد در میدان» اولین مجموعه‌ی شعری او در این زمینه است. او یکی از پرکارترین شاعران مقاومت است. او از جمله غزل‌سرایانی است که می‌توان او را جزء شاعران جریان ساز غزل نو با نیم‌نگاهی به میراث گذشتگان به شمار آورد و لذا تأثیرپذیری از شعر بزرگان و محتوای شعر آنان در شعر اسرافیلی نیز نمود پیدا کرده است (مکارمی‌نیا، ۱۳۸۵: ۱۲۲).

منابع

قرآن کریم.

۱) اسرافیلی، حسین. (۱۳۸۹). **صخره و پلنگ**. تهران: انتشارات موسسه انجمن قلم ایران.

۲) امیری خراسانی، احمد. (۱۳۸۷). **نامه‌ی پایداری**. کرمان: بنیاد حفظ آثار و نشر ارزش‌های دفاع مقدس.

۳) امین‌پور، قیصر. (۱۳۸۸). **آینه‌های ناگهان (گزیده شعرهای ۶۴-۷۱)**. چاپ چهاردهم. تهران: کاج.

۴) امین‌پور، قیصر. (۱۳۷۸). **پای فواره نخل**. به کوشش: ابراهیم سنایی. اهواز: نشر صمد.

۵) بیگی حبیب آبادی، پرویز. (۱۳۸۲). **حماسه‌های همیشه**. چاپ اول. تهران: نشر فرهنگ گستر و صریر.

۶) خوش عمل، عباس. (۱۳۷۹). **ضرب آهنگ کلمات در شعر دفاع مقدس**. بی‌جا: جام‌جم.

۷) ستاری، جلال. (۱۳۷۲). **مدخلی بر رمز شناسی عرفانی**. بی‌جا: نشر مرکز.

۸) شکری، غالی. (۱۳۶۶ش). **ادبیات مقاومت**. ترجمه: محمد حسین روحانی. تهران: نشر نو.

۹) شیرشاهی، افسانه. (۱۳۹۰). **شعر مقاومت و دفاع مقدس**. تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.

۱۰) صفا، ذبیح الله. (۱۳۶۳). **تاریخ ادبیات ایران**. چاپ دهم. تهران: انتشارات فردوس.

۱۱) فرشادمهر، ناهید. (۱۳۸۵). **زندگینامه‌ی شاعران نامی ایران**. تهران: نشر محمد (ص).

۱۲) کاشانی، محتشم. (۱۳۷۹). **دیوان اشعار محتشم کاشانی**. تصحیح: اکبر بهداروند. چاپ دوم. تهران: نگاه.

۱۳) کاکائی، عبدالجبار. (۱۳۸۰). **بررسی تطبیقی موضوعات پایداری در شعر ایران و جهان**. تهران: پالیزان.

۱۴) محدثی خراسانی، زهرا. (۱۳۸۸). **شعر آیینی و تأثیر انقلاب اسلامی بر آن**. تهران: مجتمع فرهنگی عاشورا.

۱۵) مطلق شقور، رفقه نبیل. (۲۰۰۹م). **أثر حزب الله فی تطویر فکر المقاومة و أسالیبها فی المنطقة العربیة (رسالة الماجستیر)**. فلسطین: جامعه‌ی النجاح الوطنی.

۱۶) مکارمی نیا، علی. (۱۳۸۵). **بررسی شعر دفاع مقدس**. تهران: ترفند.

۱۷) موسوی گرمارودی، علی. (۱۳۶۳). **خط خون**. تهران: انتشارات زوار.

مقالات

۱) گلچین، زهرا؛ برزمینی، لیلا. (بی‌تا). «جلوه‌های مقاومت در اشعار علیرضا قزوه». همایش بین‌المللی جستارهای ادبی، زبان و ارتباطات فرهنگی.

۲) میرقادری، سید فضل الله؛ کیانی، حسین. (بی‌تا). «بن‌مایه‌های ادب مقاومت در قرآن». فصلنامه دینی. شماره اول.

التنظيرات و النقد في الأدب العربي

السنة الثانية، العدد ٨، شتاء ١٤٠١

صص: ١٠٤-٨٧

DOI: ١٠,٢٢٠٣٤/JRAL.٢٠٢٥,٥٥٨٤٨٣,١٠٧٠

الدراسة المقارنة لمضامين القرآن في أدب المقاومة في مجموعتي «الصخرة والفهد» لأسرافيلي و«مرايا الفجأة» لأمين بور

مهدي آريان فر [١]

فرناز اتحاد [٢]

(تاريخ الوصول: ١٤٠٤,٠٨,١٧، تاريخ القبول: ١٤٠٤,٠٨,٢١)

الملخص

يُعَدّ الأصل القرآني للمقاومة والصمود من الموضوعات التي برزت بوضوح في الأدب الإيراني بعد الثورة الإسلامية وأحداث الدفاع المقدس، واتخذت مكانةً خاصة في الشعر المُعاصِر بعد الثورة. فأدب المقاومة يُعَدّ أداةً وسلاحاً قويّاً ومتيناً يُسهِم في بقاء المجتمعات المظلومة ويغني ثقافتها، ويُحدِث تحوّلات ملحوظة بين طبقات الشعب. إنّ مضامين أدب الصمود مستمدّة غالباً من مفاهيم القرآن الكريم، وتشمل الدعوة إلى الكفاح والثبات، وتمجيد الصمود والمقاومة، وتمجيد الحرية والكرامة، وعرض الأساطير والطموحات الوطنية. ويُساعِد تحليل هذه المضامين في شعر الشعراء على فهم أفضل لوظائف أدب المقاومة. وتتجلّى مفاهيم أدب المقاومة والصمود بوضوح في آثار اثنين من أبرز شعراء إيران، وهما قيصر أمين بور (١٩٥٩–٢٠٠٧م) وحسين أسرافيلي (١٩٥١م). ويهدف هذا البحث إلى تحليل مضامين الصمود في نموذجين من أعمالهما، وهما «مرايا الفجأة» لأمين بور و«الصخرة والفهد» لأسرافيلي. وتظهر مفاهيم المقاومة سواء في بعدها الديني والروحي أو في بعدها السياسي- الاجتماعي في شعر هذين الشاعرين بتكرارات متفاوتة، مثل مفاهيم الله، والمحبة، والعرفان، والإيثار، والشهادة، التي تُجسِّد انتصار جبهات الحق على الباطل بالاعتماد على أسماء الأئمّة الأطهار (ع)، ولا سيما ثورة الإمام الحسين (ع).

الكلمات المفتاحيّة: أدب المقاومة، الشعر، مرايا الفجأة، الصخرة والفهد، قيصر أمين بور، حسين أسرافيلي، القرآنالكريم، الدفاع المقدس.

---

١. أستاذ مساعد، قسم علوم القرآن والحديث، كلية علوم القرآن بجنورد، جامعة القرآن الكريم للعلوم والتربية، قم، إيران، البريد الإلكتروني: ariyanfar@quran.ac.ir (المؤلف المراسل)

٢. دانش‌آموخته دکتری گروه علوم قرآن و حدیث، دانشکده علوم قرآنی بجنورد، دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم، قم، ایران.ایمیل: s.ettehad٠٨@umail.umz.ac.ir